

Study of Multilateralism of Foreign Trade in Iran by using the TOPSIS Method

Ehsan Rasoulinezhad*

Parisa Sabri**

Abstract

One of the major issues at present in the Iranian economy is a greater regional convergence to increase trade and economic potential under Western sanctions. As a developing economy, Iran needs to adopt a multilateral approach in its trade relations with other world economies in order to properly utilize the production facilities of other countries. In this regard, the main purpose of this article is to examine more closely the issue of Iran's multilateralism in foreign trade with a focus on the Eurasian Economic Union and the Shanghai Cooperation Organization. To do this research, the method of performance evaluation based on Balanced Scorecard and ranking of options based on TOPSIS technique (TOPSIS) is used. The results of this study showed the Shanghai Cooperation Organization's better rank than the Eurasian Economic Union for joining Iran on the basis of four areas of financial performance, internal market, internal process, growth and learning. It seems that the emergence of three emerging economies, including China, India and Russia, in the Shanghai Cooperation Organization will create more business opportunities for the Iranian economy than the Eurasian Economic Union, which operates solely on Russian political influence.

Keywords: Multilateralism, Eurasian Economic Union, Shanghai Cooperation Organization, Balanced Scorecard, TOPSIS.

JEL Classification: C29, F02, F13

* Assistant Professor of Economics, Department of Russian Studies, Faculty of World Studies, University of Tehran (Corresponding Author), e.rasoulinezhad@ut.ac.ir

** Master of Russian Studies, Faculty of World Studies, University of Tehran, parisa.sabri@ut.ac.ir

Date received: 2019/9/6, Date of acceptance: 2020/1/16

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

ارزیابی و بررسی مسئله چندجانبه‌گرایی روابط تجاری ایران با استفاده از روش تاپسیس

احسان رسولی‌نژاد*

پریسا صبری**

چکیده

همگرایی بیشتر منطقه‌ای جهت افزایش توان تجاری و اقتصادی تحت تحریم‌های غرب، به یکی از مسائل مهم حال حاضر اقتصاد ایران در بخش روابط تجاری تبدیل شده است. کشور ایران به عنوان اقتصادی در حال توسعه نیازمند اتخاذ رویکرد چندجانبه‌گرایی در روابط تجاری خود با سایر اقتصادهای جهان به منظور بهره‌وری مناسب از امکانات تولیدی دیگر کشورها است. در این راستا، هدف اصلی این مقاله بررسی مقایسه‌ای دقیق‌تر مسئله چندجانبه‌گرایی ایران در بخش تجارت خارجی با تمرکز بر اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای است. جهت انجام این تحقیق، از روش ارزیابی عملکرد مبتنی بر کارت امتیازی متوازن و رتبه‌بندی گزینه‌ها براساس تکنیک تاپسیس (TOPSIS) استفاده شده است. نتایج این تحقیق، رتبه بهتر سازمان همکاری شانگهای نسبت به اتحادیه اقتصادی اوراسیا جهت پیوستن ایران را براساس چهار حوزه عملکرد مالی، بازار داخلی، فرآیند داخلی، رشد و یادگیری نشان داد. به نظر، وجود سه اقتصاد نوظهور شامل چین، هند و روسیه در سازمان همکاری شانگهای فرصت‌های بیشتر تجاری برای اقتصاد ایران نسبت به اتحادیه اقتصادی اوراسیا که تنها بر محور نفوذ سیاسی روسیه فعالیت می‌کند، ایجاد خواهد کرد.

* استادیار اقتصاد، گروه مطالعات روسیه، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)،
e.rasoulinezhad@ut.ac.ir

** کارشناس ارشد مطالعات روسیه، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، parisa.sabri@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۶

کلیدواژه‌ها: چندجانبه‌گرایی، اتحادیه اقتصادی اوراسیا، سازمان همکاری شانگهای، کارت امتیازی متوازن، تاپسیس.

طبقه‌بندی JEL: C29, F02, F13

۱. مقدمه

چندجانبه‌گرایی اقتصادی به معنای هم‌افزایی قدرت اقتصادی چند کشور از یک منطقه یا مناطق جغرافیایی مختلف به‌ویژه برای کشورهای در حال توسعه سیاست اقتصادی مناسب و درخور توجه است. چرا که در سایه همکاری تجاری، یک کشور توانمندی مناسب‌تری در حوزه تولید داخل، انتقال فناوری، جذب سرمایه‌گذاری و سیالیت نیروی کار خواهد داشت که خود به معنای رونق اقتصاد داخلی، اشتغال‌زایی، کاهش فقر و بیکاری و نیز حرکت به سمت سطح توسعه‌یافتگی بالاتر خواهد بود (حیدریان دولت‌آبادی و مظاهری کوهانستانی، ۱۳۹۸، ص: ۱۱۰). در این راستا، بی‌نیاز (۱۳۹۰: ۹۴) و صابری حقایق و همکاران (۱۳۹۷: ۲۸۲) معتقد هستند که چندجانبه‌گرایی تجاری آثار رفاه اقتصادی، آزادسازی تجاری و افزایش صرفه‌ناشی از مقیاس بنگاه‌های اقتصادی را در یک اقتصاد به همراه خواهد داشت. چنین منافعی از سیاست چندجانبه‌گرایی تجاری برای کشور ایران از اهمیت بالاتری برخوردار است. اقتصاد کشور ایران در حال حاضر تحت تحریم‌های ناعادلانه غرب، تنش‌های سیاسی همسایگان جغرافیایی، ارزش پایین نفت خام در جهان و شیوع بیماری کرونا نیاز به تحول و تغییر شکل ساختاری دارد که یک بعد از این تحول و تغییر در توسعه صادرات غیرنفتی و افزایش تبادلات تجاری با کشورهای منطقه در جهت کاهش اثرات منفی تحریم‌های اقتصادی، کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، نقش موثر داشتن در ایجاد تعادل اقتصادی در منطقه و جبران خسارت‌های مالی ناشی از تعطیلی کسب و کارها از محل شیوع بیماری کرونا خواهد بود. صاحب‌نظران بسیاری همچون محمدزاده اصل و محمدی (۱۳۹۱)، مانی (۱۳۹۴)، رنجکش (۱۳۹۶) و رسولی‌نژاد و کاظم‌نیا (۱۳۹۸) در مورد اهمیت توسعه تجارت و منطقه‌گرایی برای اقتصاد ایران گفتمان علمی و پژوهشی داشته‌اند. لزوم توجه اقتصاد ایران به مسئله چندجانبه‌گرایی و منطقه‌گرایی اقتصادی اهمیت انجام تحقیق در این باره را تبیین می‌نماید. در این تحقیق، نویسندگان جنبه چندجانبه‌گرایی تجارت خارجی ایران را از منظر پیوستن به مجامع اقتصادی - سیاسی منطقه‌ای مورد توجه قرار داده‌اند که از بین مجامع اقتصادی - سیاسی مختلف منطقه‌ای،

اتحادیه اقتصادی اوراسیا (شامل ارمنستان، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان و فدراسیون روسیه) و سازمان همکاری شانگهای (چین، قزاقستان، قرقیزستان، فدراسیون روسیه، تاجیکستان، ازبکستان، هند و پاکستان) به عنوان دو گزینه محتمل تر به دلیل عضو ناظر بودن در سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۰۵ میلادی و امضای موافقتنامه تعرفه‌های ترجیحی ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا در سال ۲۰۱۸ میلادی در این مقاله مورد توجه قرار گرفته‌اند.

با وجود توجه مطالعات پیشین همچون حاجی یوسفی و الوند (۱۳۸۷)، بزرگی و حسینی (۱۳۹۰)، میرفخرایی (۱۳۹۴)، کوشکی و حسینی (۱۳۹۶) و راوندی و مهکویی (۱۳۹۷) به مساله پیوستن ایران به مجامع اقتصادی منطقه‌ای، نویسندگان مقاله حاضر تحقیق انجام شده‌ای پیرامون اولویت‌بندی پیوستن به دو مجمع اقتصادی اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای نیافتند. لذا این مقاله از لحاظ نوآوری، یافته‌های نوین و قابل استفاده برای محققان و خط‌مشی‌گذاران تجارت خارجی ایران خواهد داشت. ساختار این مقاله در ادامه به صورت زیر خواهد بود: بخش دوم مقاله به شرح ادبیات موضوع اختصاص خواهد داشت. در بخش سوم، روش تحقیق و در بخش چهارم یافته‌های تحقیق عنوان می‌شود. در بخش آخر نتیجه‌گیری تحقیق بیان خواهد شد.

۲. ادبیات موضوع

مفهوم چندجانبه‌گرایی (Multilateralism) تجاری به عنوان زیربخشی از منطقه‌گرایی و جهانی‌سازی اقتصاد و تجارت برای نخستین بار در قرن نوزدهم در قالب یک سیاست کاربردی مورد توجه کشورهای جهان قرار گرفت. از دید اقتصاد سیاسی، چنین مفهومی مکمل لیبرالیسم اقتصادی و نظریه‌های تجارت آزاد بوده است و سیگیموتو و ناکاگوا (Sugimoto and Nakagawa) (۲۰۱۱: ۱۴) آغاز آن را به لغو قانون غلات (Corn Law) انگلستان در سال ۱۸۴۶ میلادی مرتبط می‌دانند. به طور کلی اگر چه صاحب‌نظران و اقتصاددانان کلاسیک همچون آدام اسمیت و دیوید ریکاردو چندین دهه قبل از قانون غلات انگلستان مبانی تئوریک اقتصاد آزاد را بنیاد نهاده بودند اما این نظریه کلاسیک‌ها پس از تحولاتی چند و در نهایت با لغو قانون غلات که براساس آن واردات محصولات کشاورزی به انگلستان آزاد شد، رسماً به صورت سیاست تجاری کشور انگلستان به عنوان صنعتی‌ترین کشور جهان در عصر خود درآمد. تجارت آزاد بر این دیدگاه استوار است که

تخصص‌گرایی اقتصادی موجب افزایش کارایی مولد و درآمد ملی می‌شود و در نهایت همه کشورها از آن منتفع خواهند شد. مسئله تجارت آزاد برای کشورهای توسعه‌یافته بیشتر قابل مشاهده است و در مقابل کشورهای در حال توسعه نیاز به حمایت و حضور دولت به عنوان موتور پیشران در تبدیل حوزه تجارت به منطقه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی هستند. چنین نیازی در ساختار مکتب ناسیونالیسم اقتصادی که در برخی از منابع هم‌مفهوم با نظریه مرکانتیلیست‌ها در نظر گرفته می‌شود (ژانگ و هی، ۲۰۱۴، ص: ۲۱۴)، قابل بیان است.

ناسیونالیست‌های اقتصادی برخلاف طرفداران تجارت آزاد معتقد به مداخله اقتصادی و کنترل دولت در تجارت بین‌الملل هستند. چنین دیدگاهی پاسخی به دخیل بودن عوامل سیاسی در بحث‌های تجارت خارجی یک کشور است. به معنای دیگر تجارت آزاد با همه کشورها به طور یکسان امکان‌پذیر نیست و مباحث سیاسی و امنیت ملی موجب وحدت تجارت یک کشور با گروهی از کشورهای همسود می‌شود (اختیاری امیری و همکاران، ۱۳۹۸، ص: ۱۶۸). دخیل دانستن عوامل سیاسی و امنیت ملی در تجارت بین‌الملل، منجر به شکل‌گیری منطقه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی در تجارت خارجی می‌شود. هرچند برخی نظریات دیگر همچون نظریه سازه‌انگاری، منطقه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی را در قالب همگرایی میان کشورها از دید عوامل هنجاری-ارزشی، رویه‌ها و ساختارهای معنایی رایج تعریف می‌کنند. از دید طرفداران این نظریه، منافع ملی و هویت اجتماعی یک کشور موجب ایجاد همگرایی تجاری آن با سایر کشورهای منطقه که دارای هویت و هنجارهای تقریباً مشترک هستند، خواهد شد (اکبریان و شکر، ۱۳۹۵، ص: ۱۷۹).

در کنار این نظریات، می‌توان به نظریه وابستگی متقابل اشاره نمود که تجارت آزاد با ایجاد منفعت مشترک در همکاری‌های تجاری و اقتصادی در یک منطقه جغرافیایی، احتمال منازعه دولت‌ها را کاهش می‌دهد (مشیرزاده، ۱۳۹۰، ص: ۴۶). به عقیده طرفداران نظریه وابستگی متقابل، چندجانبه‌گرایی و منطقه‌گرایی موجب افزایش حجم مبادلات بخش خارجی و در نتیجه وابستگی متقابل بین دولت‌ها خواهد شد.

اما به نظر مهمترین و کامل‌ترین نظریه در زمینه چندجانبه‌گرایی تجاری، نظریه کانتوری و اشپیگل (۱۹۷۳) است. از دیدگاه تئوری آنها، چندجانبه‌گرایی یا همگرایی اقتصادی منطقه‌ای به معنای وضعیتی است که یک یا چند کشور همجوار تعامل‌گرا با یکدیگر تعاملات تجاری-اقتصادی داشته و پیوندهای مشترک قومی، زبانی، فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و سیاسی با یکدیگر دارند (سیف زاده، ۱۳۸۹، ص: ۳۰۲). این دو پژوهشگر اهل

آمریکا چهار متغیر ماهیت و میزان همبستگی، ماهیت ارتباطات، سطح قدرت و ساختار روابط بین دولت‌ها را به عنوان عوامل موفقیت چندجانبه‌گرایی تجاری عنوان کرده‌اند. ماهیت و میزان همبستگی اندازه مشابهت و مکمل بودن واحدهای سیاسی یک منطقه و میزان واکنش متقابل میان آنها، متغیر ماهیت ارتباطات بیانگر تعاملات میان نخبگان، تماس‌های دیپلماتیک، خطوط حمل و نقل، گردشگری و تعاملات رسانه‌های گروهی است. همچنین سطح قدرت به عنوان سومین متغیر الگویی، به معنای توانایی بالفعل و بالقوه و اراده سیاسی یک کشور و منظور از ساختار روابط، ویژگی روابط متقابل میان دولت‌های یک منطقه جغرافیایی است (سلیمان‌پور و سلیمانی درچاق، ۱۳۹۵، ص: ۷۴).

با توجه به نظریه‌های ذکر شده می‌توان تعریفی جامع از چندجانبه‌گرایی به صورت "سیاستی اقتصادی در جهت افزایش تعاملات اقتصادی و تجاری با کشورهای منطقه‌ای در جهت حفظ منافع اقتصادی و سیاسی" تعریف نمود و همچنین این تفکر را شکل داد که تصمیم به چندجانبه‌گرایی تجاری نیاز به استفاده از روش‌های علمی دارد چرا که اولاً این سیاست، تک بعدی و به صورت تعریف صرف منافع اقتصادی و تجاری نیست. ثانیاً، براساس نظریه ناسیونالیسم اقتصادی، تصمیم نهایی در امر چندجانبه‌گرایی به عهده و تلاش دولت خواهد بود که خود الزام دوری از تصمیم‌گیری‌های احساسی و غیرعلمی را پررنگ می‌سازد.

همگرایی منطقه‌ای پدیده‌ای است که پس از جنگ جهانی دوم به وجود آمده و می‌توان گفت مسئله‌ای نوظهور محسوب نمی‌شود چرا که از به وقوع پیوستن آن صدها سال می‌گذرد (چیف و ویتترز، ۲۰۰۳، ص: ۴۸۹). پس از جنگ جهانی دوم کشورهای زیادی تمایل به ادغام‌های اقتصادی در سطح منطقه‌ای پیدا کردند، هرچند که این تلاش‌ها اغلب به دلیل اختلافات سیاسی و موانع اقتصادی پیش‌بینی نشده به سرانجام نمی‌رسید.

مزایای حاصل از ادغام‌های اقتصادی و همگرایی منطقه‌ای اغلب به سطح و عمق توافق-نامه‌های ایجاد شده مرتبط است و هراندازه همگرایی اقتصادی عمیق‌تر باشد، مزایای ایجاد شده برای کشورهای عضو نیز بالطبع بیشتر خواهد بود. همچنین میزان همگرایی اقتصادی میان دو دولت بستگی به تمایل و تعهد دولت‌ها به اشتراک‌گذاری حاکمیت خود در این توافقنامه دارد. نیروی محرکه و انگیزه برای ایجاد ادغام و همگرایی اقتصادی نیز مختلف بوده و انواع متفاوتی دارد. به‌طور مثال پانگستو و اسکولای (۲۰۰۱) از تجارت، توسعه و امنیت سیاسی به عنوان سه عامل محرک برای ایجاد همگرایی اقتصادی در کشورهای در

حال توسعه نام برده‌اند. هوکمن و همکاران (۲۰۰۲) از جنبه‌های اقتصادی و جنبه‌های سیاسی به عنوان انگیزه‌های اصلی ادغام اقتصادی نام برده‌اند و خاطر نشان کرده‌اند که تاثیر همگرایی اقتصادی بر کشورهای عضو به نوع توافقنامه و پوشش اصلی آن بستگی دارد. عضویت کشورهای بزرگ صنعتی در این توافق‌نامه‌ها برای کشورهای در حال توسعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا این مسئله منجر به یکپارچه‌سازی عمیق‌تر اعضا می‌شود که وجود آن فراتر از حذف ترجیحی موانع تجارت کالا با یکدیگر است (هوکمن، ۲۰۰۲، ص: ۱۵۳). اثرات اقتصادی همگرایی منطقه‌ای بر اساس نظر هوکمن و همکاران شامل خلق تجارت (Trade creation)، انحراف در تجارت (Trade diversion) و نقل و انتقالات می‌شود.

طبق نظر تورادو و اسمیت (۲۰۰۶) خلق تجارت در جامعه زمانی اتفاق می‌افتد که سیاست مشترک تجارت خارجی و تجارت آزاد داخلی منجر به تغییر در تولید و افزایش تجارت میان کشورهای عضو شود. انحراف تجارت نیز زمانی روی می‌دهد که واردات از سایر نقاط جهان جایگزین واردات گران قیمت‌تر از کشور شریک شود. انحراف تجارت معمولاً امری نامطلوب تلقی می‌شود زیرا هم جهان و هم کشورهای عضو یک بلوک تجاری در نتیجه انحراف از امکانات تولیدی کارآمد خارجی محروم شده و می‌بایست به صنایع ناکارآمد داخلی کشورهای عضو اکتفا کنند. و در کل این نکته که خلق تجارت بیشتر از انحراف تجارت باشد، در کسب مزایا از همگرایی‌های منطقه‌ای از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (تورادو و اسمیت، ۲۰۰۶، ص: ۶۴۷).

همگرایی اقتصادی منطقه‌ای می‌تواند یک هدف کارآمد اقتصادی را حتی فراتر از سود حاصل از آزادسازی تجاری از طریق کاهش عدم اطمینان و بهبود اعتبار و در نتیجه فراهم آوردن امکان برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری برای بخش خصوصی، ارائه نماید. در واقع، کاهش عدم اطمینان ممکن است جهت تحقق منافع حاصل از آزادسازی بسیار حیاتی باشد. این مسئله که اقتصاد یک دولت از مزایای ایجاد توافق تجاری منطقه‌ای بهره‌مند شود، به دامنه پوشش مفاد آن، ماهیت مکانیسم اجرایی آن و شرایطی که توافقنامه طی آن اجرا خواهد شد، بستگی دارد (فرناندز (Fernandez)، ۱۹۹۷، ص: ۳).

بنابر گفته پارک و پارک (۲۰۰۷)، همگرایی منطقه‌ای می‌تواند عاملی برای جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی (FDI) محسوب شود. اصلاحات کلی از قبیل تثبیت-سازی، آزادسازی بازار و خصوصی‌سازی که تحت تمهیدات منطقه‌ای انجام می‌شوند،

بازدهی تمام عوامل را بالا می‌برند و جهت افزایش سرمایه‌گذاری خصوصی کافی هستند. همچنین همانطور که بالدوین و ونابلس (Baldwin and Venables) (۲۰۰۴) اشاره کرده‌اند، همگرایی اقتصادی می‌تواند تضمین کند که امر تولید بر اساس مزیت نسبی هر یک از اعضا در حال انجام است زیرا این مسئله باعث افزایش تولید و خدمات شده و موجب بهبود تخصص‌گرایی آن منطقه و برنامه‌ریزی‌های کلی اعضای آن می‌شود.

پژوهشگران و صاحب نظران مختلفی به بررسی مفهوم چندجانبه‌گرایی، منطقه‌گرایی و جهانی شدن پرداخته‌اند. در این بخش می‌توان پژوهش‌های انجام شده پیشین را به دو گروه تقسیم کرد؛ گروه اول مطالعاتی هستند که به پژوهش درباره مفهوم کلی چندجانبه‌گرایی و منطقه‌گرایی و همچنین پدیده جهانی شدن پرداخته‌اند. گروه دوم شامل آن دسته از مطالعاتی است که به مفهوم چندجانبه‌گرایی و منطقه‌گرایی میان ایران و کشورهای مختلف توجه کرده‌اند که در ادامه به بررسی مهمترین و جدیدترین این مطالعات در این دو گروه پرداخته خواهد شد:

مطالعات گروه اول شامل تحقیقات پیرامون تجارت آزاد، منطقه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی در شکل مفهومی و موردی کشورهای جهان می‌شود. فرند (۲۰۰۰) در مطالعه‌ای به بررسی چندجانبه‌گرایی تجاری و موافقت‌نامه‌های ترجیحی تجارت با استفاده از مدل رقابت کامل پرداخته است. به عقیده وی، کاهش تعرفه‌های چندجانبه منجر به ایجاد موافقت‌نامه‌های تجاری ترجیحی میان کشورها و در نتیجه سطح با کیفیت‌تر از چندجانبه‌گرایی تجاری خواهد شد. او معتقد است نتیجه مذکور می‌تواند در توضیح روند فعلی منطقه‌گرایی مفید واقع شود. بگول و استایگر (۲۰۰۴) در تحقیقی به مطالعه فرصت‌های تجارت چندجانبه با کشورهای جهان تحت مقررات سازمان تجارت جهانی پرداختند. آنها در این پژوهش از مدل تعادلی تجارت میان سه کشور استفاده کرده‌اند. بر اساس این مدل، کشور مبدا و دو کشور خارجی دیگر به مبادله کالاهای x و y که کالاهای عادی و مصرفی بوده و تحت شرایط افزایش هزینه‌های فرصت تولید شده‌اند، می‌پردازند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که فرصت‌ها و منافع دولت‌ها در تجارت‌های چندجانبه بسیار بیشتر از شرکت در مذاکرات دوجانبه بوده و اجرای اصول سازمان تجارت جهانی همچون اصل دولت کامله الوداد MFNs (Most Favoured Nations) می‌تواند سود همسان در تجارت‌های چندجانبه برای کشورها ایجاد کند. ساگی و ایلدیز (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای به بررسی مفاهیم دوجانبه‌گرایی، چندجانبه‌گرایی و تجارت آزاد جهانی پرداخته‌اند. در این پژوهش آنها از مدل سازگار شده

صادرکنندگان رقیب (competing exporters) که توسط بگول و استایگر در سال ۱۹۹۹ توسعه یافته است، استفاده کرده‌اند. متغیرهای آنها شامل سه کشور A، B و C، و سه کالای a، b و c می‌باشد که بازار هر یک از این کشورها توسط دو صادرکننده رقیب احاطه شده است. آنها دریافتند برای توسعه تجارت به چندجانبه‌گرایی و جهانی شدن می‌بایست ارزش منافع تولیدکنندگان نزد دولت بیش از درآمدهای تعرفه‌ای و منافع سیاسی باشد. چوی در مقاله‌ای در سال ۲۰۱۲ به مسئله منطقه‌گرایی اقتصادی اروپا و آسیای شرقی پرداخت. وی به این نتیجه رسیده است که الگوی منطقه‌گرایی در جهان متفاوت است و عواملی همچون استقلال سیاسی از کشورهای توسعه‌یافته، و سیاست‌های لیبرالیسم دولت‌ها تنها عوامل تفاوت در منطقه‌گرایی شرق آسیا و اروپا نبوده است. بلکه عوامل دیگری همچون شرایط ساختاری، ویژگی‌ها و جغرافیای اقتصادی - سیاسی کشورها نیز در الگوی منطقه‌گرایی تجاری‌شان دخیل است. ارگوزل و همکاران (۲۰۱۶) در مطالعه خود به اندازه‌گیری جهانی-شدن شهرها از منظر منطقه‌گرایی پرداخته‌اند. جهت بررسی این ارتباط، کشور ترکیه و شهر ساکاریا (Sakarya)، یکی از شهرهای ترکیه به عنوان نمونه انتخاب شده و متغیر عملکرد صادراتی به عنوان اصلی‌ترین متغیر اقتصادی در نظر گرفته شده است. در این پژوهش، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که شاخص‌هایی همچون رقابت‌پذیری، تکامل تجاری و درجه باز بودن تجاری، فناوری-محور و کاربر-محور بودن اقتصاد کشورها نقش بسیار مهمی در همگرایی تجاری آنها با کشورهای منطقه دارد. کولیالی و همکاران (۲۰۱۸) در مطالعه خود به بررسی روابط میان جهانی‌شدن اقتصاد، کارآفرینی و توسعه در کشورهای عضو بریکس (BRICS) پرداخته‌اند. متغیرهای مورد مطالعه در این تحقیق از منابع مختلف و طی بازه زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۳ جمع‌آوری شده‌اند و یک پانل دیتای نامتعادل از اعضای کشورهای بریکس را تشکیل داده‌اند. آنها دریافتند که تعامل بیشتر تجاری - اقتصادی میان کشورها موجب کارآفرینی بیشتر نزد بنگاه‌های کوچک و متوسط شده و نتیجه آن در بلندمدت توسعه انسانی کشورها خواهد بود. رسولی نژاد (۲۰۲۰) به بررسی همگرایی تجاری میان کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و کشور چین پرداخته است. متغیر مستقل در این پژوهش مقدار صادرات انرژی از کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به چین طی بازه زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۷ در نظر گرفته شده است. نتایج تحقیق وی حاکی از آن است که وجود عامل انرژی می‌تواند منشا همگرایی تجاری میان کشورها شود که در آن کشورهای

تولیدکننده انرژی به صادرات آن مبادرت ورزیده و در مقابل از کشورهای مصرف‌کننده انرژی، کالاهای تولیدشده و مصرفی دریافت نمایند.

گروه دوم از مطالعاتی که تحت بررسی قرار گرفته‌اند، مربوط به تحقیقات انجام شده پیرامون همگرایی، منطقه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی اقتصادی و تجاری کشور ایران می‌شوند.

در مطالعه‌ای، سلیمان پور و دامن پاک جامی (۱۳۸۷) به نقش چندجانبه‌گرایی و ترتیب-های تجاری منطقه‌ای در توسعه دیپلماسی اقتصادی کشور ایران پرداختند. نتایج مطالعه آنها نشان می‌دهد که ایران برای دستیابی به بازارهای صادراتی جهان و افزایش سهم از این بازارها به نسبت جمعیت و توان اقتصادی خود، باید ایجاد فضای مناسب برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و پیگیری عضویت در سازمان تجارت جهانی را محور اصلی این تعامل قرار دهد. در کنار توسعه روابط اقتصادی دوجانبه، یکی از مهم‌ترین گزینه‌های پیش روی ایران برای بسط تجارت و تعامل سازنده با اقتصاد جهانی، عضویت در ترتیب‌های تجاری منطقه‌ای و روی آوردن به چندجانبه‌گرایی است. کمال اردکانی (۱۳۸۷) تحقیقی پیرامون فرصت‌ها و چالش‌های تعامل منطقه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی برای کشور ایران انجام داده است و طبق یافته‌های وی، عضویت در یک ترتیب تجاری منطقه‌ای افزایش رفاه اعضای آن را تضمین نمی‌کند. به علاوه، تشکیل آن ممکن است به طور زیانباری رفاه کشورهای غیر عضو را به دلیل انحراف تجارت و آثار آن در مورد رابطه مبادله تحت تاثیر قرار دهد. در مطالعه‌ای، متقی و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی همگرایی اقتصادی برای ایجاد یک بلوک تجاری میان ایران و کشورهای منتخب خاورمیانه پرداختند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که در منطقه خاورمیانه، کشورهایی که عضو یک اتحادیه اقتصادی هستند، تمایل کمتری برای تجارت با کشورهای دیگر را (در منطقه) دارند. دهشیری و رضایی جعفری (۱۳۹۳) به نقش نومنطقه‌گرایی اقتصادی در سیاست خارجی ایران پرداخته‌اند. به عقیده آنها کشور ایران براساس سیاست خارجی توسعه‌گرا می‌بایست به دنبال تعامل با بازارهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از رهگذر ایجاد سازوکارهای آزادسازی تجاری باشد. افراسیابی و حسین زاده (۱۳۹۸) اثر سرمایه انسانی بر کیفیت همگرایی منطقه‌ای اقتصاد ایران را طی دوره زمانی ۱۳۸۴-۱۳۹۶ مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که وقوع همگرایی منطقه‌ای در کشور ایران مورد تایید است. با این وجود سرعت همگرایی پایین است به طوری که مناطق مختلف کشور به طور میانگین با سرعت همگرایی ۰/۰۶۳ در مسیر رشد متوازن به سمت حالت پایدار در حال حرکت هستند. از

دیگر نتایج این تحقیق می‌توان به اثرات مستقیم و سرریزی مثبت سرمایه انسانی بر روند همگرایی منطقه‌ای در کشور ایران اشاره نمود. سرمست و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای پیرامون منطقه‌گرایی ایران در آسیای مرکزی تحقیق نمودند. نتایج این مطالعه نشان داد که بر اساس ساختار ژئوپلیتیکی موجود ارائه الگوی مبتنی بر واقعیات و منافع ژئوپلیتیکی همگراساز (قوت‌ها و فرصت‌ها) و نیز دوری از عوامل تنش‌زای ژئوپلیتیکی (ضعف‌ها و تهدیدها) می‌تواند منطقه‌گرایی پایدار بین ایران و آسیای مرکزی در راستای منافع متقابل ایجاد کند.

در مطالعه‌ای دیگر، محمدی پور و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی همگرایی منطقه‌ای میان ایران، عراق و ترکیه پرداختند. یافته‌های آنها نشان می‌دهد که در همگرایی منطقه‌ای عواملی همچون اختلافات قومی و مذهبی، چالش‌های محیطی و نفوذ قدرت‌های خارجی در خاورمیانه نقش معناداری در همگرایی اقتصادی کشور ایران با دو کشور عراق و ترکیه دارد. بررسی مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که بررسی ضعف و قوت، تهدید و فرصت پیوستن ایران به مجامع اقتصادی منطقه‌ای همچون اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای و اولویت‌بندی پیوستن به این دو مجمع اقتصادی مغفول مانده است. لذا این مقاله سعی در بررسی این قسمت مغفول مانده در مطالعات چندجانبه‌گرایی خواهد داشت. گفتنی است این دو سازمان از این لحاظ که از بعد جغرافیا به عنوان هدف همگرایی منطقه‌ای برای اقتصاد ایران به حساب می‌آیند و هم‌آنکه کشور ایران در سال ۲۰۰۵ میلادی عضو ناظر در سازمان همکاری شانگهای و در سال ۲۰۱۸ میلادی موافقت‌نامه موقت تجاری با اتحادیه اقتصادی اوراسیا امضا نموده است، به دو عنوان، دو سازمان مورد توجه ایران جهت عضویت دائم در نظر گرفته می‌شوند. لذا بررسی این دو سازمان برای اقتصاد بین‌الملل ایران از اولویت و ضرورت بالایی برخوردار است.

براساس داده‌های سایت تریدمپ (Trademap) که در جدول ۱ ذکر شده است، حجم واردات ایران از اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا طی سال‌های ۲۰۰۱ الی ۲۰۱۸ میلادی افزایش پیدا کرده است. طبق جدول ۱، حجم واردات ایران از اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا از حدود ۱۱۵۴ میلیون دلار در سال ۲۰۰۱ میلادی به رقم ۱۴۸۷ میلیون دلار در سال ۲۰۱۸ میلادی رسیده است. هر چند این روند در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۵ میلادی حرکت کاهشی داشته است.

ارزیابی و بررسی مسئله چندجانبه‌گرایی روابط تجاری ... (احسان رسولی‌نژاد و پریسا صبری) ۱۰۳

جدول (۱): حجم واردات ایران از اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا، ۲۰۰۱-۲۰۱۸ میلادی، هزار دلار

کشور	۲۰۰۱ میلادی	۲۰۱۰ میلادی	۲۰۱۵ میلادی	۲۰۱۸ میلادی
ارمنستان	۳۸۱۹۴	۴۰۱۳۶	۱۳۲۷۶	۲۲۲۸۱
بلاروس	۲۵۲۸۲	۴۹۷۹۲	۲۴۹۷۱	۲۳۹۴۳
قزاقستان	۲۷۰۰۳۹	۱۲۳۹۵۵	۱۰۶۲۳۷	۸۷۰۶۸
قرقیزستان	۱۴۸۹۳	۱۲۱۴۲	۱۷۴۵	۱۱۳۷۵
روسیه	۸۰۵۶۹۴	۴۳۲۹۰۱	۵۷۶۵۵۲	۱۳۴۲۶۵۴
جمع کل	۱۱۵۴۱۰۲	۶۵۸۹۲۶	۷۲۲۷۸۱	۱۴۸۷۳۲۱

منبع: سایت تریدمپ (Trademap) - <https://www.trademap.org>

در مورد صادرات ایران به اعضای این اتحادیه، طبق داده‌های گردآوری شده از سایت تریدمپ (Trademap) که در جدول ۲ نمایش داده شده‌اند، حجم صادرات ایران به کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا رشد مثبت داشته است و از رقم ۱۶۵ میلیون دلار در سال ۲۰۰۱ میلادی به ۴۳۹ میلیون دلار در سال ۲۰۱۰ میلادی و سپس به بیش از ۶۰۷ میلیون دلار در سال ۲۰۱۸ میلادی رسیده است.

جدول (۲): حجم صادرات ایران به اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا، ۲۰۰۱-۲۰۱۸ میلادی، هزار دلار

کشور	۲۰۰۱ میلادی	۲۰۱۰ میلادی	۲۰۱۵ میلادی	۲۰۱۸ میلادی
ارمنستان	۵۶۹۶۵	۱۱۳۰۳۳	۱۰۲۱۱۰	۱۵۸۹۹۰
بلاروس	۱۶۰	۵۹۹۵	۴۰۲۲	۲۷۶۲
قزاقستان	۳۱۶۴۵	۶۸۵۰۰	۱۳۷۸۶۴	۱۳۱۴۰۳
قرقیزستان	۱۶۴۴۸	۴۰۱۸۵	۲۲۰۵۰	۳۳۷۳۹
روسیه	۶۰۱۶۱	۳۳۰۵۷۶	۱۷۳۱۴۹	۲۸۰۵۱۷
جمع کل	۱۶۵۳۷۹	۵۵۸۲۸۹	۴۳۹۱۹۵	۶۰۷۴۱۱

منبع: سایت تریدمپ (Trademap) - <https://www.trademap.org>

از لحاظ روابط تجاری ایران با اعضای سازمان همکاری شانگهای، جداول زیر قابل مشاهده هستند. طبق جدول ۳، حجم واردات ایران از اعضای این سازمان از رقم بیش از ۲۳۹۱ میلیون دلار در سال ۲۰۰۱ میلادی به بیش از ۱۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ رسیده است. این در حالی است که حجم صادرات ایران به اعضای این سازمان (جدول ۴) نیز طی

سال های ۲۰۰۱ الی ۲۰۱۸ میلادی رشد فراوانی را تجربه کرده است. به گونه‌ای که کشور ایران به اعضای سازمان همکاری شانگهای صادراتی به مبلغ بیش از ۶۵۹ میلیون دلار در سال ۲۰۰۱ میلادی و ۱۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ میلادی داشته است.

جدول (۳): حجم واردات ایران از اعضای سازمان همکاری شانگهای، ۲۰۰۱-۲۰۱۸ میلادی، هزار دلار

کشور	۲۰۰۱ میلادی	۲۰۱۰ میلادی	۲۰۱۵ میلادی	۲۰۱۸ میلادی
هند	۴۷۰۰۰۵	۱۲۷۰۵۹۱	۲۲۹۴۶۲۴	۲۶۵۰۲۰۰
چین	۷۱۹۸۷۰	۵۷۸۸۳۱۶	۱۰۴۷۳۰۹۱	۱۰۲۴۸۵۶۲
قزاقستان	۲۷۰۰۳۹	۱۲۳۹۵۵	۱۰۶۲۳۷	۸۷۰۶۸
قرقیزستان	۱۴۸۹۳	۱۲۱۴۲	۱۷۴۵	۱۱۳۷۵
روسیه	۸۰۵۶۹۴	۴۳۲۹۰۱	۵۷۶۵۵۲	۱۳۴۲۶۵۴
پاکستان	۵۸۴۶۷	۳۸۱۸۳۶	۲۲۵۸۱۶	۳۳۰۳۳۷
تاجیکستان	۱۲۱۵	۲۸۷۳۴	۲۳۱۸۷	۲۶۰۹۷
ازبکستان	۵۱۱۸۹	۹۶۶۲۲	۴۴۳۶۵	۴۶۹۹۹
جمع کل	۲۳۹۱۳۷۲	۸۱۳۵۰۸۷	۱۳۷۴۵۶۸۷	۱۴۷۴۳۱۹۲

منبع: سایت تریدمپ (Trademap) - <https://www.trademap.org>

جدول (۴): حجم صادرات ایران به اعضای سازمان همکاری شانگهای، ۲۰۰۱-۲۰۱۸ میلادی، هزار دلار

کشور	۲۰۰۱ میلادی	۲۰۱۰ میلادی	۲۰۱۵ میلادی	۲۰۱۸ میلادی
هند	۱۸۰۱۵۸	۱۸۲۱۶۹۸	۲۴۹۷۱۸۵	۲۰۴۲۹۲۲
چین	۱۷۳۹۷۵	۴۵۷۰۹۶۶	۷۲۳۰۳۸۵	۹۲۱۷۷۰۲
قزاقستان	۳۱۶۴۵	۶۸۵۰۰	۱۳۷۸۶۴	۱۳۱۴۰۳
قرقیزستان	۱۶۴۴۸	۴۰۱۸۵	۲۲۰۵۰	۳۳۷۳۹
روسیه	۶۰۱۶۱	۳۳۰۵۷۶	۱۷۳۱۴۹	۲۸۰۵۱۰
پاکستان	۷۹۵۱۶	۵۵۰۹۲۴	۶۳۹۱۳۵	۱۲۴۷۲۳۴
تاجیکستان	۳۵۸۸۸	۱۸۹۸۹۸	۱۵۱۱۹۸	۷۸۳۱۵
ازبکستان	۸۱۶۸۳	۶۷۴۷۴	۲۳۷۵۶۲	۱۴۰۹۵۰
جمع کل	۶۵۹۴۷۴	۷۶۴۰۲۲۱	۱۱۰۸۸۵۲۸	۱۳۱۷۲۷۷۵

منبع: سایت تریدمپ (Trademap) - <https://www.trademap.org>

۳. روش تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ نوع هدف، تحقیق کاربردی و از لحاظ روش انجام، از نوع ترکیب پیمایشی-آماري است. پیمایشی از این جهت که برای انتخاب شاخص‌های ارزیابی و اولویت‌دهی سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای، از پرسشنامه و تکنیک کارت امتیازی متوازن (BSC) استفاده شده است. کارت امتیازی متوازن توسط کاپلان و نورتون در سال ۱۹۹۶ به شکل توسعه‌یافته جهت ارزیابی عملکرد براساس چهار فرآیند مشتری‌مداری، فرآیند داخلی، رشد و یادگیری و مالی ارائه شد. علاوه بر تکنیک کارت امتیازی متوازن، جهت وزن و ارزیابی و تحلیل، از یکی از پرکاربردترین روش‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه تحت عنوان تکنیک تاپسیس (TOPSIS) که توسط هوانگ و یین (۱۹۸۱) معرفی شده، با نرم افزار Smart TOPSIS Solver استفاده شده است. در این روش آماری، m گزینه توسط n شاخص مورد ارزیابی و اولویت‌دهی قرار می‌گیرند. اولویت‌دهی در این روش آماری بر مبنای آن است که گزینه انتخاب شده می‌بایست کمترین فاصله را با راه حل ایده‌آل مثبت (بهترین حالت ممکن) و بیشترین فاصله را با راه حل ایده‌آل منفی (بدترین حالت ممکن) پیدا کند، که این روش آماری دارای شش مرحله کمی‌کردن و بی‌مقیاس‌سازی ماتریس تصمیم، استخراج ماتریس بی‌مقیاس موزون، تعیین راه‌حل‌های ایده‌آل مثبت و منفی، بدست آوردن میزان فاصله هر گزینه تا ایده‌آل‌های مثبت و منفی، تعیین نزدیکی نسبی گزینه به راه‌حل ایده‌آل، و رتبه‌بندی نهایی گزینه‌ها می‌باشد. علاوه بر روش‌های بالا، در این پژوهش جهت گردآوری داده‌ها و اطلاعات از داده‌های اولیه (داده‌های استخراج شده از کارت امتیازی متوازن و پرسشنامه) و داده‌های ثانویه (داده‌های بانک‌های مرکزی، بانک جهانی و تریدمپ (Trade Map) استفاده شده است.

۴. نتایج تجربی

طبق روش‌شناسی تحقیق ذکر شده در بخش قبل، ابتدا ماتریس تصمیم‌گیری متشکل از شاخص‌های کمی و کیفی به عنوان ستون ماتریس (n معیار در چارچوب کارت امتیازی متوازن در جدول ۵) و اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای به عنوان گزینه‌های قابل ارزیابی (m گزینه) طراحی می‌شود. احصا شاخص‌های کمی و کیفی مندرج در جدول ۵ بدین صورت بوده است که ابتدا از محل مطالعه پژوهش‌های انجام گرفته، مجموعه‌ای از شاخص‌ها به تعداد ۴۴ عدد استخراج گردید و پس از آن با نظرخواهی از سه

تن از اساتید دانشکده اقتصاد و دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران متخصص در حوزه تجارت بین‌الملل، ۲۲ شاخص ذکر شده در جدول ۶ نهایی شدند.

جدول (۵): شاخص‌های تعیین شده براساس ابعاد کارت امتیازی متوازن

ابعاد کارت امتیازی متوازن	شاخص‌های کمی و کیفی
بعد مالی	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نرخ تورم، نقدینگی، حجم تسهیلات بانکی، متوسط نرخ سود
بعد بازار داخلی	تولید ناخالص داخلی، رشد اقتصادی، سهولت کسب و کار، سهم صنعت از تولید ناخالص داخلی، سهم کشاورزی از تولید ناخالص داخلی، سهم بخش خدمات از تولید ناخالص داخلی، تعداد جمعیت، نرخ شهرنشینی
بعد فرآیند داخلی	زبان مشترک بین اعضا، مرز مشترک بین اعضا، رتبه فساد اداری، رتبه ثبات سیاسی
رشد و یادگیری	رتبه جهانی شدن اقتصاد، درجه باز بودن تجاری، درصد عضویت کشورهای عضو در سازمان تجارت جهانی، درصد دسترسی به اینترنت، متوسط سال عضویت کشورها در سازمان

منبع: نویسندگان مقاله

در گام دوم، با توجه به اینکه در جدول ماتریس مرحله قبل، داده‌های شاخص‌ها از واحدهای مختلف تشکیل می‌شوند (دلار، صفر و یک، درصد و ...)، لذا برای یکسان‌سازی آنها در این مرحله معیارها بی‌مقیاس شده (هر عنصر ماتریس قبل را بر مجموع مجذور مربعات عناصر هر سطر تقسیم می‌شود) و ماتریس جدید تحت عنوان ماتریس بی‌مقیاس شده (جدول ۶) بدست می‌آید.

جدول (۶): ماتریس بی‌مقیاس شده

ابعاد کارت امتیازی متوازن	شاخص‌های ابعاد کارت امتیازی متوازن	اتحادیه اقتصادی اوراسیا	سازمان همکاری شانگهای
بعد مالی	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	۰/۲۸۵	۰/۴۲۱
	نرخ تورم	۰/۲۱۳	۰/۲۸۸
	نقدینگی	۰/۱۶۸	۰/۴۹۱
	حجم تسهیلات بانکی	۰/۱۹۲	۰/۵۲۱
	متوسط نرخ سود	۰/۰۰۳	۰/۰۲۱
بعد بازار داخلی	تولید ناخالص داخلی	۰/۳۱۱	۰/۵۳۳
	رشد اقتصادی	۰/۲۶۸	۰/۱۹۲

ارزیابی و بررسی مسئله چندجانبه‌گرایی روابط تجاری ... (احسان رسولی‌نژاد و پریسا صبری) ۱۰۷

۰/۱۸۲	۰/۱۸۹	سهولت کسب و کار	
۰/۲۳۱	۰/۲۶۴	سهام صنعت از تولید ناخالص داخلی	
۰/۱۹۸	۰/۲۱۲	سهام کشاورزی از تولید ناخالص داخلی	
۰/۳۱۹	۰/۲۸۱	سهام بخش خدمات از تولید ناخالص داخلی	
۰/۳۹۲	۰/۱۵۵	تعداد جمعیت	
۰/۰۲۱	۰/۰۸۸	نرخ شهرنشینی	
۰/۱۳۲	۰/۶۱۹	تعداد کشورهای عضو هم‌زبان	بعد فرآیند داخلی
۰/۰۸۲	۰/۵۲۹	تعداد کشورهای عضو دارای مرز مشترک	
۰/۲۶۲	۰/۲۸۱	درجه فساد اداری	
۰/۱۳۲	۰/۱۸۸	درجه ثبات سیاسی	
۰/۲۹۱	۰/۲۷۴	رتبه جهانی شدن اقتصاد	بعد رشد و یادگیری
۰/۱۷۳	۰/۱۸۸	درجه باز بودن تجاری	
۰/۵۱۵	۰/۴۹۲	متوسط سال‌های عضویت کشورهای عضو در سازمان تجارت جهانی	
۰/۴۲۹	۰/۲۱۱	درصد دسترسی به اینترنت	
۰/۳۱۸	۰/۰۹۸	میزان سال شکل‌گیری سازمان	

منبع: محاسبات تحقیق

حال در مرحله بعد، ماتریس بی‌مقیاس شده موزون استخراج می‌شود. با توجه به آنکه شاخص‌های تعریف شده نسبت به هم اولویت و وزن خاصی دارند لذا جهت مدنظر قرار دادن این اولویت‌ها باید وزن هر شاخص در داده بی‌مقیاس شده ضرب شود تا ماتریس بی-مقیاس شده موزون بدست آید. وزن شاخص‌ها توسط پرسشنامه فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) در نرم افزار Expert Choice بدست آمده که از ضرب وزن ابعاد اصلی کارت امتیازی متوازن و وزن شاخص‌ها، وزن نهایی بدست می‌آید که با تاثیر آنها در ماتریس بی-مقیاس، ماتریس بی‌مقیاس موزون به صورت جدول ۷ استخراج خواهد شد:

جدول (۷): ماتریس بی مقیاس شده موزون

ابعاد کارت امتیازی متوازن	شاخص های ابعاد کارت امتیازی متوازن	اتحادیه اقتصادی اوراسیا	سازمان همکاری شانگهای
بعد مالی	سرمایه گذاری مستقیم خارجی	۰/۰۰۳	۰/۰۰۴
	نرخ تورم	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴
	نقدینگی	۰/۰۰۲	۰/۰۷۲
	حجم تسهیلات بانکی	۰/۰۰۱	۰/۰۲۸
	متوسط نرخ سود	۰/۰۰۵	۰/۰۲۹
بعد بازار داخلی	تولید ناخالص داخلی	۰/۰۰۸	۰/۰۴۱
	رشد اقتصادی	۰/۰۲۱	۰/۰۱۰
	سهولت کسب و کار	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳
	سهم صنعت از تولید ناخالص داخلی	۰/۰۰۸	۰/۰۰۸
	سهم کشاورزی از تولید ناخالص داخلی	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴
	سهم بخش خدمات از تولید ناخالص داخلی	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳
	تعداد جمعیت	۰/۰۱۱	۰/۰۵۳
بعد فرآیند داخلی	نرخ شهرنشینی	۰/۰۱۹	۰/۰۱۰
	تعداد کشورهای عضو هم زبان	۰/۰۶۳	۰/۰۱۲
	تعداد کشورهای عضو دارای مرز مشترک	۰/۰۵۱	۰/۰۱۹
	درجه فساد اداری	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷
بعد رشد و یادگیری	درجه ثبات سیاسی	۰/۰۱۱	۰/۰۰۹
	رتبه جهانی شدن اقتصاد	۰/۰۱۰	۰/۰۱۰
	درجه باز بودن تجاری	۰/۰۲۱	۰/۰۱۶
	متوسط سال های عضویت کشورهای عضو در سازمان تجارت جهانی	۰/۰۳۱	۰/۰۳۲
	درصد دسترسی به اینترنت	۰/۰۰۵	۰/۰۲۹
	میزان سال شکل گیری سازمان	۰/۰۱۶	۰/۰۲۴

منبع: محاسبات تحقیق

گام بعدی پس از ایجاد ماتریس بی مقیاس موزون شده، تعیین راه حل ایده آل مثبت و منفی است (جدول ۸). چنانکه شاخص دارای ماهیت مثبت باشد، در هر سطر از جدول ۷، بزرگترین مقدار راه حل ایده آل مثبت و کوچکترین مقدار، راه حل ایده آل منفی خواهد بود (این روند برای شاخص دارای ماهیت منفی همچون تورم و فساد اداری بالعکس است).

جدول (۸): ماتریس بی‌مقیاس شده موزون

ابعاد کارت امتیازی متوازن	شاخص‌های ابعاد کارت امتیازی متوازن	راه حل ایده آل مثبت	راه حل ایده آل منفی
بعد مالی	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	۰/۰۰۴۶	۰/۰۰۳۲
	نرخ تورم	۰/۰۰۴۱	۰/۰۰۴۳
	نقدینگی	۰/۰۷۲۲	۰/۰۰۲۶
	حجم تسهیلات بانکی	۰/۰۰۲۸۰	۰/۰۰۱۱
	متوسط نرخ سود	۰/۰۲۹۶	۰/۰۰۵۴
بعد بازار داخلی	تولید ناخالص داخلی	۰/۰۴۱۶	۰/۰۰۸۲
	رشد اقتصادی	۰/۰۲۱۶	۰/۰۱۰۳
	سهولت کسب و کار	۰/۰۰۳۸	۰/۰۰۳۱
	سهم صنعت از تولید ناخالص داخلی	۰/۰۰۸۱	۰/۰۰۸۰
	سهم کشاورزی از تولید ناخالص داخلی	۰/۰۰۴۸	۰/۰۰۴۲
	سهم بخش خدمات از تولید ناخالص داخلی	۰/۰۰۳۶	۰/۰۰۳۰
	تعداد جمعیت	۰/۰۵۳۳	۰/۰۱۱۹
بعد فرآیند داخلی	نرخ شهرنشینی	۰/۰۱۹۴	۰/۰۱۰۱
	تعداد کشورهای عضو هم‌زبان	۰/۰۶۳۶	۰/۰۱۲۲
	تعداد کشورهای عضو دارای مرز مشترک	۰/۰۵۱۳	۰/۰۱۹۸
	درجه فساد اداری	۰/۰۰۷۱	۰/۰۰۷۶
	درجه ثبات سیاسی	۰/۰۱۱۷	۰/۰۰۹۲
بعد رشد و یادگیری	رتبه جهانی شدن اقتصاد	۰/۰۱۰۶	۰/۰۱۰۰
	درجه باز بودن تجاری	۰/۰۲۱۷	۰/۰۱۶۳
	متوسط سال‌های عضویت کشورهای عضو در سازمان تجارت جهانی	۰/۰۳۲۷	۰/۰۳۱۰
	درصد دسترسی به اینترنت	۰/۰۲۹۹	۰/۰۰۵۱
	میزان سال شکل‌گیری سازمان	۰/۰۲۴۹	۰/۰۱۶۶

منبع: محاسبات تحقیق

حال در این مرحله میزان فاصله هر گزینه تا ایده‌آل مثبت از طریق فرمول (۱) محاسبه

می‌شود:

$$d_i^+ = \sqrt{\sum_{j=1}^m (v_{ij} - v_j^+)^2} \quad (1)$$

که در فرمول بالا، d_i^+ نشان دهنده فاصله هر گزینه تا ایده آل مثبت، v_j^+ راهکار ایده آل مثبت و v_{ij} اهمیت هر گزینه نسبت به هر معیار در ماتریس بی‌مقیاس موزون است. جدول ۹، میزان فاصله محاسبه شده هر گزینه (سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا) را تا ایده آل‌های مثبت نشان می‌دهد:

جدول (۹). فاصله گزینه‌ها تا ایده آل‌های مثبت

گزینه	فاصله تا ایده آل مثبت
سازمان همکاری شانگهای	۰/۰۴۱
اتحادیه اقتصادی اوراسیا	۰/۰۷۸

منبع: محاسبات تحقیق

در ادامه همانند شیوه قبل، میزان فاصله هر گزینه تا ایده آل منفی (جدول ۱۰) از فرمول (۲) محاسبه می‌شود:

$$d_i^- = \sqrt{\sum_{j=1}^m (v_{ij} - v_j^-)^2} \quad (2)$$

که در فرمول بالا، d_i^- نشان دهنده فاصله هر گزینه تا ایده آل منفی، v_j^- راهکار ایده آل منفی و v_{ij} اهمیت هر گزینه نسبت به هر معیار در ماتریس بی‌مقیاس موزون است.

جدول (۱۰). فاصله گزینه‌ها تا ایده آل‌های منفی

گزینه	فاصله تا ایده آل منفی
سازمان همکاری شانگهای	۰/۰۶۵
اتحادیه اقتصادی اوراسیا	۰/۰۴۰

منبع: محاسبات تحقیق

پس از محاسبه فاصله گزینه‌ها تا ایده آل‌های مثبت و منفی، می‌توان از فرمول (۳) ضریب نزدیکی هر گزینه را محاسبه کرد:

$$c = \frac{d^-}{d^- + d^+} \quad (3)$$

که در رابطه فوق، d^- فاصله گزینه‌ها تا ایده آل منفی و d^+ فاصله تا ایده آل مثبت است. نقطه بهینه (ضریب نزدیکی در جدول ۱۱) هر سازمان اقتصادی برای پیوستن ایران نزدیک-

ارزیابی و بررسی مسئله چندجانبه‌گرایی روابط تجاری ... (احسان رسولی‌نژاد و پریسا صبری) ۱۱۱

ترین فاصله تا ایده‌آل مثبت و دورترین فاصله تا ایده‌آل منفی است. گفتنی است محاسبات مربوط به روش TOPSIS با استفاده از نرم افزار Smart TOPSIS Solver انجام شده است.

جدول (۱۱). ضریب نزدیکی و رتبه‌بندی گزینه‌ها

رتبه	ضریب نزدیکی	گزینه
اول	۰/۶۱۳	سازمان همکاری شانگهای
دوم	۰/۳۳۸	اتحادیه اقتصادی اوراسیا

منبع: محاسبات تحقیق

طبق جدول ۱۱، سازمان همکاری شانگهای با توجه به ارزیابی عملکرد در کارت امتیازی متوازن و روش رتبه‌بندی تاپسیس در اولویت بالاتری نسبت به اتحادیه اقتصادی اوراسیا برای ایران قرار دارد. به معنای دیگر سازمان همکاری شانگهای با داشتن ضریب نزدیکی بیشتر، بهینه‌تر و مطلوب‌تر برای اقتصاد ایران خواهد بود و در مقابل اتحادیه اقتصادی اوراسیا با توجه به ارزیابی عملکردش، نسبت به سازمان همکاری شانگهای جهت پیوستن ایران در اولویت دوم قرار گرفته است.

۵. نتیجه‌گیری

در حال حاضر با توجه به تحریم‌های اقتصادی اردوگاه غرب علیه جمهوری اسلامی ایران، فعالیت اقتصادی با شرکای تجاری مختلف یکی از اولویت‌ها و چالش‌های اقتصاد ایران به حساب می‌آید. در این حوزه، توسعه و بهبود چندجانبه‌گرایی در تجارت خارجی می‌تواند راه‌حل کارا در حل این چالش اقتصاد کشور ایران باشد. در این مقاله سعی بر آن بود تا بحث چندجانبه‌گرایی در تجارت خارجی ایران با توجه به فرصت‌های پیوستن به دو سازمان منطقه‌ای اتحادیه اقتصادی اوراسیا (که ایران با این سازمان از سال ۲۰۱۸ میلادی منطقه آزاد تجاری موقت به مدت سه سال برقرار کرده است) و سازمان همکاری شانگهای (که ایران از سال ۲۰۰۵ به عنوان ناظر به این سازمان پیوست) با توجه به یک روش علمی مبتنی بر ارزیابی عملکرد در کارت امتیازی متوازن و رتبه‌بندی تکنیک تاپسیس مورد توجه قرار گیرد.

یافته‌های این تحقیق نخست نشان می‌دهد که بحث چندجانبه‌گرایی و همگرایی منطقه‌ای، یک مساله چند بعدی است و عوامل مختلفی در تصمیم‌سازی برای این موضوع دخیل هستند. این یافته با نتایج مطالعات مارکوس-راموس و همکاران (Marquez-Ramos et al. (۲۰۱۱)، دوپراوسکا و سیرا (۲۰۱۵) که به تاثیر عوامل مختلف سیاسی و اجتماعی بر همگرایی تجاری کشورها دست یافته‌اند، مطابقت دارد. همچنین طبق یافته‌های بدست آمده در تحقیق حاضر، با توجه به شاخص‌های چهار بعد مالی، بازار داخلی، فرآیند داخلی، رشد و یادگیری کارت امتیازی متوازن، سازمان همکاری شانگهای از اولویت بالاتری نسبت به اتحادیه اقتصادی اوراسیا برای پیوستن کشور ایران برخوردار می‌باشد. با توجه به وجود دو کشور چین و هند به عنوان دو کشور پرجمعیت (دارای ظرفیت مصرف کنندگان اقتصادی بالا) و داشتن بازارهای نوظهور، عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای نسبت به عضویت در اتحادیه اقتصادی اوراسیا که تنها بر مبنای محوریت اقتصاد روسیه فعال است، برای اقتصاد کشور ایران دارای منفعت بیشتری است (سلیمان پور و سلیمانی درچاق (۱۳۹۵، ص: ۶۹) عنوان نموده‌اند که میزان موفقیت همگرایی اقتصادی اوراسیا بالا نبوده است). به دلیل عضویت کشور روسیه در سازمان همکاری شانگهای، ایران می‌تواند از توان بالقوه و بالفعل سه عضو سازمان بریکس (اقتصادهای نوظهور شامل هند، چین، روسیه، آفریقای جنوبی و برزیل)، یعنی چین، هند و روسیه همزمان بهره‌بردار. این نتیجه بدست آمده هم‌راستا با نتایج تحقیقات حاجی یوسفی و الوند (۱۳۸۷)، بزرگی و حسینی (۱۳۹۰)، رازینی و همکاران (۱۳۹۲) و جعفری و همکاران (۱۳۹۶) است که منافع ملی و اقتصادی و عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای را مورد توجه قرار داده‌اند و مخالف یافته‌های تحقیقاتی همچون میرفخرایی (۱۳۹۴) و عسگری (۱۳۹۸) که اتحادیه اقتصادی اوراسیا را سرشار منافع اقتصادی برای ایران می‌دانند، است.

پیشنهاد می‌شود خط‌مشی‌گذاران و مدیران اقتصاد ایران با اولویت‌بخشی به پیوستن به سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای پتانسیل و ظرفیت‌های تجاری-اقتصادی کشور را به مجموعه کشورهای کارا تر و مفیدتر وصل کنند. جهت پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود تا الزامات زیرساختی و قانونی مورد نیاز جهت توانمندسازی حوزه تجارت خارجی ایران در جهت منطقه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی مورد توجه بیشتر قرار گیرد و همچنین اثرگذاری این سازمان‌های منطقه‌ای بر اقتصادهای کشورهای عضو نیز مورد توجه قرار گیرد که این امر می‌تواند یافته‌های مفیدی جهت چشم‌انداز پیوستن به این سازمان‌ها برای مدیران و خط-

ارزیابی و بررسی مسئله چندجانبه‌گرایی روابط تجاری ... (احسان رسولی‌نژاد و پریسا صبری) ۱۱۳

مشی‌گذاران کشور جمهوری اسلامی ایران به همراه داشته باشد به علاوه پیشنهاد می‌شود تا در حوزه چندجانبه‌گرایی تجاری و منطقه‌گرایی اقتصاد ایران برنامه‌ریزی مدون در سطوح عملیاتی و راهبردی توسط نهادها و سازمان‌های متولی همچون اتاق بازرگانی، وزارت اقتصاد، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و گمرک جمهوری اسلامی صورت پذیرد. زیرا بدون وجود برنامه مدون و همکاری نهادهای متولی در امر تجارت خارجی، احتمال همگرایی کارا و دائم ایران با بلوک‌های اقتصادی منطقه پایین خواهد بود.

کتابنامه

- اختیاری امیری، رضا، علیپور، فاطمه و حسن زاده، فرامرز. (۱۳۹۸). تاثیر ناسیونالیسم اقتصادی امریکا بر نظم تجاری لیبرال. فصلنامه سیاست جهانی، ۸(۱): ۱۶۱-۱۹۲.
- افراسیابی، مهران. پهلوانی، مصیب. و حسین زاده، رمضان. (۱۳۹۸). بررسی اثر سرمایه انسانی بر همگرایی منطقه‌ای در اقتصاد ایران: رهیافت اقتصادسنجی فضایی. مدلسازی اقتصاد سنجی، ۱۶: ۶۷-۸۵.
- اکبریان، رضا. و شکری، محسن. (۱۳۹۸). جهانی شدن و منطقه‌گرایی اقتصادی در حوزه شورای همکاری خلیج فارس. فصلنامه سیاست جهانی، ۵(۲): ۱۷۷-۲۰۸.
- بزرگی، وحید. و حسینی، میرعبداله. (۱۳۹۰). سازمان همکاری شانگهای: تحولات گذشته و چشم‌انداز آینده. مطالعات اوراسیای مرکزی، ۴(۷): ۱-۲۶.
- بی‌نیاز، علی. (۱۳۹۰). نگاهی به تحولات تاریخی منطقه‌گرایی اقتصادی: از منطقه‌گرایی به نامنطقه‌گرایی. فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، ۱۶(۱۱۵): ۸۳-۱۱۱.
- جعفری، علی اکبر، بلباسی، میثم و اسفندیار، شهرام. (۱۳۹۶). منافع ملی و عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای. دو فصلنامه دانش سیاسی، ۱۳(۲): ۱۶۳-۲۰۰.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد. و الوند، مرضیه سادات. (۱۳۸۷). ایران و سازمان همکاری‌های شانگهای: هژمونی و ضد هژمونی. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۳(۲): ۱۶۳-۱۹۴.
- حیدریان دولت آبادی، محمدجواد. و مظاهری کوهانستانی، رسول. (۱۳۹۸). شروط مندرج در موافقت نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری جمهوری اسلامی ایران. بررسی مسائل اقتصاد ایران، ۶(۱): ۱۰۹-۱۳۰.
- دهشیری، محمد رضا. و رضائی جعفری، محسن. (۱۳۹۳). نومنطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران، فصلنامه سیاست جهانی، ۳(۲): ۱۹۱-۲۲۶.

رازینی، ابراهیم علی. شاهانی، فائقه. و وجدانی طهرانی، هدیه. (۱۳۹۲). بررسی پتانسیل تجاری میان ایران و کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای (SCO) با استفاده از مدل جاذبه، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ۶۹: ۱-۱۷.

رسولی نژاد، احسان. و کاظم نیا، ترانه. (۱۳۹۸). راهبردهای توسعه صادرات کالای ایرانی به بازار فدراسیون روسیه: مطالعه موردی فرآورده های لبنی. فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان، ۶: ۸۴۴-۸۶۳.

رنجکش، محمدجواد. (۱۳۹۶). جهانی شدن اقتصادی؛ امکان یا امتناع گزینه های دیگر (اسلام). فصلنامه بررسی مسائل اقتصاد ایران، ۴(۲): ۲۵-۴۴.

سرمست، حمیدرضا. بیژنی، علی. و اخباری، محمد. (۱۳۹۸). ارائه الگوی منطقه گرایی ایران و آسیای مرکزی. فصلنامه نگرش های نو به جغرافیای انسانی، ۱۲(۱): ۳۱۱-۳۲۴.

سلیمان پور، هادی. و دامن پاک جامی، مرتضی. (۱۳۸۸). نقش چندجانبه گرایی و ترتیب های تجاری منطقه ای در پیشبرد دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات اوراسیای مرکزی، ۲(۳): ۹۶-۷۷.

سلیمان پور، هادی. و سلیمانی درچاق، مریم. (۱۳۹۵). همگرایی اقتصادی در اوراسیای مرکزی در تطبیق با الگوی کانتوری و اسپیکل. فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ۹۳: ۶۹-۹۸.

سیف زاده، حسین. (۱۳۸۹). نظریه پردازی در روابط بین الملل مبانی و قالب های فکری. نشر سمت: تهران.

صابری حقایق، رحمت علی. حسنقلیبور، طهمورث. و آقازاده، هاشم. (۱۳۹۷). روابط تجاری ایران و روسیه: راهبردی برای توسعه تجارت غیر نفتی، ۸(۱): ۲۸۱-۳۱۲.

عسگری، منصور. (۱۳۹۸). عوامل موثر بر صادرات ایران به اتحادیه اقتصادی اوراسیا. مدلسازی اقتصادی، ۱۳(۴۷): ۷۷-۱۰۲.

کمالی اردکانی، مسعود. (۱۳۸۷). فرصت ها و چالش های تعامل منطقه گرایی و چندجانبه گرایی. بررسی های بازرگانی، ۶(۳۲): ۵۹-۷۱.

مائی، کامران. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی رابطه بین گسترش روابط تجاری با توسعه مالی بازار. فصلنامه بررسی مسائل اقتصاد ایران، ۲(۲): ۱۰۷-۱۲۴.

متقی، سمیرا. سحابی، بهرام. متقی، افشین. و صفوی، بیژن. (۱۳۹۱). بررسی ایجاد یک بلوک تجاری در کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه (کاربرد هم گرایی اقتصادی). پژوهشنامه اقتصادی، ۱۲(۴۷): ۱۷۵-۱۹۶.

محمدزاده اصل، نازی. و محمدی، فرناز. (۱۳۹۱). بررسی عوامل موثر بر صادرات غیر نفتی ایران با تاکید بر جهانی شدن. فصلنامه علوم اقتصادی، ۱: ۷-۳۰.

ارزیابی و بررسی مسئله چندجانبه‌گرایی روابط تجاری ... (احسان رسولی‌نژاد و پریسا صبری) ۱۱۵

محمدی پور، سعید. اخباری، محمد. و حمزه، فرهاد. (۱۳۹۸). *ارایه الگوی همگرایی منطقه‌ای فیما بین کشورهای ایران، عراق و ترکیه با تاکید بر ساختار ژئوپلیتیکی منطقه*. فصلنامه نگرش‌های نو به جغرافیای انسانی، ۱۱ (۴): ۴۲۳-۴۳۴.

مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۹۰). *نظریه‌های روابط بین‌الملل*. انتشارات سمت: تهران.

میرفخرایی، سیدحسین. (۱۳۹۴). *اتحادیه اقتصادی اوراسیا و الزامات ژئوآکونومیک آن برای ایران*. پژوهشنامه روابط بین‌الملل، ۸ (۳۲): ۱۴۳-۱۷۵.

Bagwell, K., and Staiger, R.W. (2004). Multilateral trade negotiations, bilateral opportunism and the rules of GATT/WTO. *Journal of International Economics*. 63 (1). pp. 1-29.

Baldwin, E.R., and Venables, J.A. (2004). *Regional Economic Integration*. London School of Economics.

Cantori, L., and Spiegel, S. (1973). The Analysis of Regional International Politics: The Integration Versus the Empirical Systems Approach. *International Organization*. 27 (4). pp. 465-494.

Choi, J.Y. (2012). A Comparative Analysis of Economic Regionalism in Europe and East Asia: A Historical Institutional Approach. *Journal of International and Area Studies*. 19 (1). pp. 59-77.

Coulibaly, S., Erbao, C., and Mekongcho, T. (2018). Economic globalization, entrepreneurship, and development. *Technological Forecasting and Social Change*. 127. pp. 271-280.

Dubravaska, M., and Sira, E. (2015). The Analysis of the Factors Influencing The International Trade of The Slovak Republic. *Procedia Economics and Finance*. 23. pp. 1210- 1216.

Erguzel, O., Tunahan, H., and Esen, S. (2016). Measuring the globalization of cities from the new regionalism perspective. SpringerPlus. 1536. DOI: <https://doi.org/10.1186/s40064-016-3179-0>

Fernandez, R. (1997). Returns to Regionalism: An Evaluation of Nontraditional Gains from Regional Trade Agreements. Research working paper; no. WPS 1816 Washington, D.C.: World Bank Group.

Freund, C. (2000). Multilateralism and the endogenous formation of preferential trade agreements. *Journal of International Economics*. 52 (2). pp. 359 – 376.

Hoekman, B., Matoo A., and English Ph. (2002). *Development, Trade and the WTO, Development, trade and the WTO: a handbook (English)*. Washington, D.C.: World Bank Group.

Hwang, C.L. and Yoon, K. (1981). *Multiple Attribute Decision Making: Methods and Applications*. Springer-Verlag, New York.

Kaplan, R. and Norton, D. (1996). *The Balanced Scorecard: Translating Strategy into Action*. Harvard Business School Press. Massachusetts.

Marquez-Ramos, L., Martinez-Zarzoso, I., and Suarez-Burguet, C. (2011). Determinants of Deep Integration: Examining Socio-political Factors. 22. pp. 479- 500.

- Pangestu, M., and Scollay, R. (2001). Regional Trading Arrangements: Stocktake and Next Steps. Trade Policy Forum, Bangkok, Thailand.
- Park, I., and Park, S. (2007). Reform-Creating Regional Trade Agreements and Foreign Direct Investment: Applications for East Asia. Working Paper Series Vol. 2007-01, The International Centre for the Study of East Asian Development, Kitakyushu.
- Rasoulinezhad, E. (2020). Energy Trade and Economic Integration between the Commonwealth Independent States and China. *Journal of Economic Integration*. 35 (1).pp. 172-190.
- Saggi, K., and Yildiz, H.M. (2010). Bilateralism, multilateralism, and the quest for global free trade. *Journal of International Economics*. 81 (1). pp. 26 – 37.
- Schiff, M., and Winters, L.A. (2002). Regionalism and Development: The Implication of World Bank Research for ACP and Latin American Countries. *Journal of World Trade*. 36(3). pp 479-499.
- Sugimoto, Y., and Nakagawa, M. (2011). Endogenous trade policy: Political struggle in the growth process. *Structural Change and Economic Dynamics*. 22. pp. 12-29.
- Todaro, M.P., and Smith, S.S. (2006). *Economic Development*. United States: Pearson Education.
- Zhang, J., and He, X. (2014). Economic nationalism and foreign acquisition completion: The case of China. *International Business Review*. 23. pp. 212-227.